

هنر نسخه خطی نویسی: اجزایی ترکیبی و تزینی

نسخه نویسی خطی یا مخطوطه شناسی مربوط به چندین علم که مثلاً علم خط، علم کتابداری، علم نقاشی و غیره می باشد. برای شناخت نسخه خطی باید اول بدانیم که نسخه خطی چه است و چه طور یک نسخه خطی آماده می گردد، اطلاعات وابسته در این موارد به دست داشته باشیم. مهم ترین بخش نسخه شناسی خط است. از زمانی که خط، هر نوعی، از آغاز خط تا خط امروزی، به وجود آمد به عنوان مواد نوشتاری به دست انسان عمده ترین وسیله ابلاغ قرار گرفت. در آغاز وقتی که اختراع کاغذ به عمل نیامده بود، برای نسخه نویسی الواح سنگ، انواع برگ، قطعات چرم پاپیروس یا الواح گلی، دسته هایی می و غیره مورد استفاده قرار می گرفت و متن این نوشته ها هم چندین نوع بوده مثلاً مداحیه، دینی، مراسمی، احکام شاهی، احکام جهانداری، احوال مردم، عرایض، بخششها و اعانت. نوشته هایی که روی سنگ یا دیوارهایی سنگی به وجود آمده به نام کتیبه خوانده می شود. کتیبه نویسی قبل از ایجاد کاغذ به ظهور رسید، اما، بعد از ظهور کاغذ هم کتیبه نویسی ادامه داشت بدین که این علم یک واحد دیگر است در مبحث فعلی جا نمی یابد.

نسخه نویسی مبنی بر چندین بخش است. مهم ترین واحد این علم خود نویسنده می باشد. بعضی نویسندگان یا نسخه نویسندگان خودشان

نویسنده متن نمی‌باشند، و اغلب همین طور است، پس نسخه‌نویس (حتی اگر خود نویسنده هم اگر کار نسخه‌نویسی را انجام داده) به طور تکثیرنویس یا نقل‌نویس یعنی Copywriter کار می‌کند، وقتی آماده این کار فرهیخته می‌شود متصدی چندین اشکال هم می‌گردد. بدین که اجزای دیگر را خودش آماده نمی‌کند مثلاً انواع کاغذ، آچار و اندازه کاغذ، جوهر، رنگهایی جوهر، نقاشی، تذهیب‌کاری، شیرازه‌بندی، صحافت. این همه کار توسط افراد متخصص به انجام می‌رسد و یک نسخه خطی آماده می‌شود. پس نخستین جزو نسخه‌نویسی کاغذ است، باید راجع به کاغذ اطلاعاتی به دست بیاریم. طوری که بالا به تذکر رفت قبل از نسخه‌نویسی روی کاغذ و اجناس دیگر برای تحفظ متن به کار می‌رفت.

علاوه بر برگها و پایروس، کاربرد از چرم به عنوان عمده‌ترین شی برای نسخه‌نویسی محسوب می‌گشت. نسخه‌هایی قرآن مجید که در آغاز صدر اسلام نوشته شد، روی صفحات چرمین بود و رواج این تا زمان یازدهم میلادی دیده می‌شود. در ایران رواج اوراق چرمین از زمان اشکانیان رونق یافت. به زبان پهلوی این را پست یا پشت خوانده می‌شد، حتی کلمه زبان هندی پُستک که امروز هم به زبان هندی برای کتاب مورد استعمال است از همین کلمه از پهلوی مشتق می‌باشد. در نوشته‌هایی پاننی، کالیداس یا پتانجلی کلمه پُستک به چشم نمی‌خورد. وقتی زرتشتیان به هند مهاجرت کردند و سرق زبان پهلوی بازگردید و تعداد بسیاری از کلمات پهلوی هم در زبانهای هند آن زمان مخلوط شد.

قبل از کاغذ اوراق سازی از برگهای چرم یا درخت که کار خیلی دشوار و دارای جریان طولانی بود، انجام داده می‌شد. کار بهمین دلیل از یک نویسنده نسخه‌هایی زیاد درست کردن بعید بود. می‌گویند که نخستین کاغذ در کشور چین حدود سال ۱۰۵ میلادی درست شد. و در اندک زمانی از راه ایران به کشورهای غربی صادر می‌شد. ایرانیان کاغذسازی در ۱۳۴ ه‍.ق از اسیران چینی که در زندان مرو بودند یاد گرفتند، قبل از آن از کاغذ چین استفاده می‌کردند و آن خیلی گران بود، گفته‌اند که یکی از اسیران چینی طرز کاغذ ساختن را که در چین فراگرفته بود به سمرقندیان آموخت و در اندک زمانی این هنر در شهرهایی دیگر هم پراکنده شد، بویژه در شهرهایی خراسان. کاغذهایی که در شهرهایی خراسان درست می‌شد به شهرهایی اسلامی می‌رسید. به شیوه خراسانیان در شهرهایی دیگر هم کاغذسازی رونق یافت و از انواع کاغذ خراسانی، نوع سمرقندی مقبول‌تر و ارزنده‌تر تلقی می‌شد. بازار کاغذسازی ایران لطمه بزرگی به کاغذ چین زد. در ایران انواع و اقسام کاغذ بسیار بوده. برخی از این اقسام عبارت است از کاغذ خونه، کاغذ ناصری، کاغذ فرعونسی (منسوب به جعفر برمکی است، احتمالاً استفاده این نوع کاغذ برای فرامین به شکل طغرا و منشورهایی پیچیده (توپ مانند - Scroll بوده است) کاغذ نوحی، کاغذ سلیمانی، کاغذ طلحی، کاغذ منصور، کاغذ جعفری، کاغذ سمرقندی و کاغذ بغدادی می‌باشد. به گفته این ندیم از اقسام بالا، کاغذ سلیمانی منسوب سلیمان بن راشد حاکم خراسان در روزگار هارون الرشید، کاغذ طلحی مربوط به طلحه بن طاهر، دومین امیر خاندان

طاهره بود. همچنان کاغذ نوحی منسوب به امیر نوح از دودمان سامانی، کاغذ خونه مربوط به شهر خونج از استان آذربایجان می‌باشد. از انواع دیگر، کاغذ سمرقندی از همه مشهورتر و مقبول‌تر بوده است، علت آن طبق ثعالبی، لطافت و نازکی و زیبایی می‌باشد. می‌گویند که زیاد بن صالح (م: ۱۳۸ هـ) اسیران چینی را به سمرقند آورده بود، آن اسیران در کاغذسازی مهارت تام داشتند، آنان به سمرقندیان ساختن همین نوع کاغذ یاد دادند. از همان زمان سمرقندیها این کاغذ را می‌سازند. بعضی ابداعها و خلاقیتها را هم ایرانیان انجام دادند و آن طبق محیط و دستیابی مواد خام هم بوده است از پوست پیاز، جوهر، پوست گردو، گل گاوزبان، زعفران، پوست بادنجان استفاده می‌شد. حنار را برای رنگ‌آمیزی به کار می‌بردند. کاغذ ابری ابداع ایرانیان است. سازنده این نوع کاغذ شهاب‌الدین عبدالله مروارید متخلص به بیانی از قرن دهم هجری است. بعد از وی در زمان شاه طهماسب امیر محمد طاهر مُجَلِّد رنگ‌آمیزی در کاغذ ابری را انجام داد. گاهی برای سهولت این کاغذ را آهار و مهره هم می‌کردند، این پیروی از دوره ساسانیان بود که روی برگها همین کار را انجام می‌دادند.

در هند تاریخ کاغذسازی قدیم‌تر از ایران است و نوع کاغذ که از پنبه درست می‌شد بیشتر رواج داشت، اما بدین که روی آن جوهر بدنمایی پیدا می‌کرد پس از آن استفاده برای نسخه‌نویسی نمی‌شد. در زمان بعدی ضمن کیفیت و نوع کاغذ عملهایی بسیاری به وجود آمد و کیفیت کاغذسازی رو به بهتری گردید. شهرهایی کشمیر، دهلی، پتنا، شاه‌آباد، کانپور، احمدآباد، کهمبات، دولت‌آباد که به نام کاغذپورا هم معروف بود و

شهرهایی گه‌ومنده و سانگانیر از مراکز معروفی برای کاغذسازی بوده است. همچنین «کاغذی پارا» یکی از محله‌هایی شهر وِکْرَمْ شِیْلَا از ایالت بهار برای کاغذسازی معروف بوده است. محله‌هایی این شهرها به نام «کاغذپورا» با «کاغذبون کا محله» (محله کاغذیان) یا بستِی کاغذیان مشهور بوده. از لحاظ نوع مختلف و بویژه از کاغذ کشمیری (یا کاشمیری) بعلیه، اروال، صاحب‌خانی، کهمباتی، احمدآبادی و دولت‌آبادی انواع کاغذ بوده که بعضی از آنان امروز هم مروج است و نسبت به کاغذ ماشینی مشتری فراوان دارد که کارهایی هنری بر آن انجام می‌دهند. سازنده کاغذ به نام کاغذی و اسم کاغذ با به نام کاغذی یا محل یا ممدوح کاغذی معروف بوده است. امروز هم در این مراکز کاغذسازی به عنوان پیشه خانواده‌هایی است که به نام کاغذیها مقبول‌اند و در منزلهایی آن اوراق کاغذ، ساخته شده از پنبه و کاغذهایی باطله و پارچه‌هایی نخ‌ی و مواد خام تهیه گردیده به شکل خیسی روی دیوارها به آفتاب گذاشته می‌شود، تا خشک شود، دیده می‌شود. بعداً این اوراق کاغذ را توسط سنگهایی آجی، شنخ یعنی کوس یا کوری فشار داده می‌شود تا به شکل اوراق دربیاید. وراق آنها را به اندازه‌هایی مختلف می‌برد.

مختصر اینکه وقتی نخستین واحد نسخه‌نویسی آماده شد، کاغذ را طبق نیاز به اندازه‌ای می‌برند. این کار را کسی انجام می‌داد که به نام وراق معروف بوده است. در کشورهای اسلامی وراق به عنوان کاغذساز، کاغذ فروش و کاغذ برهم بوده و گاه به معنای کاتب و مجلد را نیز

می‌رساند. البته رزاق به معنی کاتب و نسخه‌نویس پیشینه‌ای طولانی دارد. اما از وظایفی که رزاق به عهده داشت، نخستین کاغذسازی به او منسوب است. تحت این وظیفه خمیر مایه کاغذ را از میان ورده‌هایی چوبی می‌گذرانیدند و با فشار آن را به ورق تبدیل می‌کردند، به همین سبب اوراق کاغذ قبلاً از نظر ضخامت یکسان نبود. رزاقان اوراق کاغذ را پوست می‌کردند. بعد از ساخت کاغذ (وقتی کاغذ به عنوان هنر دستی درست می‌شد) رزاقان طبق نیاز ورق را به اندازه مخصوص آماده می‌کرد. البته چون کاغذ بسیار گران بود رزاقان اوراقی را به نحوی می‌بریدند که کمتر کاغذ مصرف شود. گاه اوراق را که برای نقاشی و تذهیب‌کاری و حاشیه لازم بود مومیایی و لعاب‌گذاری هم انجام می‌دادند.

واحد دوم که از بزرگترین گام تمدن و فرهنگ انسانی هم است نسخه را با خطهایی مختلف و زینتی نوشتن است. میان نسخه‌هایی که مربوط به کشورهای اسلامی یا با خطوط اسلامی نگاشته شده است. خطهایی زینتی دیدنی و گفتنی است. در ایران و شبه قاره هند از زمان قدیم نسخه‌نویسی رایج بوده است. نسخه‌هایی که به زبان پهلوی و سانسکرت نگاشته شد، دارای سابقه بسیار قدیمی می‌باشد. در زمان ساسانیان روی پارچه‌هایی چرمی به خط پهلوی نسخه‌ها آماده می‌شد. حتی در اوایل دوره اسلامی نیز خط پهلوی ادامه داشت. سکه‌هایی که از اسپیدان طبرستان به دست رسیده است به خط پهلوی است. این سکه‌ها مربوط به ۱۴۰ هجری می‌باشد. ابن ندیم در کتاب الفهرست نوشته است که ایرانیان خطی که آن را پیرآموز یا قیرآموز اسم برده برای کتابت از آن

استفاده می‌کردند تا پنجمین قرن هجری خط کوفی در ایران رونق زیادی داشت، ولی بیشتر در کتابت قرآن و تزیینات بناها و غیره به کار می‌رفته است، خط معمول ایرانیان در دیگر موارد خط نسخ بود. اما این قلم قدیم و جدید خط نسخ تفاوت دارد و همین قلم با تغییرات اندک در ایران خط رسمی معروف به نام نستعلیق به وجود آمد. طبق نویسنده اورنگ چین در خط نستعلیق دایره‌هایی که به وجود آمده اختراع ایرانیان است. عربها که اول به کوفی و نسخ کار داشتند هر دو کلمات را بدون دایره مستقیم می‌نوشتند، اما ایرانیان که از مایه ذوق و هنر سابقه بسیار قدیمی داشتند مورد پسند قرار نگرفت و آنها با آمیزش تعلیق و نسخ خط نستعلیق را به وجود آوردند. نخستین آثاری که به این قلم به وجود آمد مربوط به سال ۴۰۱ هجری می‌باشد و آن قرآن مجید به فارسی است.

پس از دوره یاقوت مستعصمی و آغاز قرن هشتم باب تازه‌ای در تاریخ خوشنویسی باز شد پیرامون شیوه یاقوت بویژه استادان ششگانه که عبارتند از احمد سهروردی، یوسف مشهدی، سید حیدر، نصرالله طیب، ارغون کابلی و مبارک شاه تبریزی. در دوره آینده بزرگترین مراکز خوشنویسی اسلامی خراسان و فارس و آذربایجان بود و استادانی مانند پیریحی جمالی، عبدالله صیرفی، جعفر بایسنقری و شمس بایسنقری و دیگر استادان چیره‌دست و چهره‌هایی درخشان خط‌نویسی بودند.

باید تذکر داد که خط تعلیق در آغاز خط تحریر و برای کتابت کتاب و نوشتن نامه‌ها به کار می‌رفت، اما خطی که برای کارهایی اداری به کار می‌رفت و از شعب تعلیق منسوب بوده، به نام تعلیق شکسته خوانده

می‌شد. اما در هند خط شکسته که به رواج آمد شکسته نستعلیقی بوده که در دستگاه گورکانیان رواج و رونق یافت. از استادان برجسته تعلیق شکسته خواجه تاج سلمانی اصفهانی، عبدالحق استرآبادی، درویش عبدالله سلطانی، خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید، بیانی کرمانی، نجم‌الدین مسعود ساوجی قابل یادآوری هستند. ایرانیان، طبق طبع نوآوری و هنر نمایی خط نسخ و تعلیق را آمیختند و خطی به نام نستعلیق به وجود آوردند که از معروفترین خطوط ایرانی و زیباترین خطوط اسلامی است، کتبه‌ها و دایره‌هایی قشنگ و زیبای آن دیری نپایید که در سایر ممالک فارسی زبان مقبول گردید. خط نستعلیق نخست در تبریز و بعداً در هرات رواج یافت و هر دو شهر مهد و گهوارهٔ پرورش و انتشار این خط قرار یافت. در قرون آینده، همین خط به نام خط فارسی در ایران و شبه قارهٔ مشهور شد. نسخه‌هایی خطی در همین خط فارسی نوشته گردید. البته این خط هم دارای چندین قلم است. در زمان صفویه در ایران و همزمان آن در هند در دستگاه گورکانیان این خط با حمایت و سرپرستی پادشاهان به قلم خطاطان معروف به اوج رسید. در ایران میر عماد سیفی قزوینی از هنرمندان دورهٔ شاه عباس صفوی بود. می‌گویند که پادشاهان هندوستان و ترکیه به داشتن قطعه‌ای از خطوط او افتخار می‌ورزیدند. در حقیقت خطاطی یک هنر لطیف و زینتی بوده و از هنرهای زیبا محسوب می‌شود. نویسنده *Encyclopaedia of Religion & Ethics* می‌نویسد که:

“Skilled scribes have devoted infinite time to copying in luxurious style the compositions of famous Persian Poet and their manuscripts are in themselves works of Arts”.

عمودی، در بعضی نسخه‌ها، از بالا به پایین می‌نوشتند تا قرن هجدهم خط فارسی در صورت اغلب کلمات را با هم می‌چسپاندند و سر هم می‌نوشتند جا به جا شدن نقطه‌ها یا حتی برای نیاز زینت نگذاشتن نقطه‌ها را عیب نمی‌دانستند.

اصوات فارسی «پ»، «ج»، «ژ» و «گ» بعد از قرن هجدهم متشکل یافت، قبلاً «پ» را «ب» می‌نوشتند مثلاً پادشاه - بادشاه، اسپ - اسب همچنان «ج» را «چ» فارسی می‌گفتند، روی «گ» به جای دو مرکز از یک مرکز استفاده می‌کردند.

علاوه بر این خطوط نامور بعضی قلم‌هایی از همین خطوط هم به وجود آمد که خطاطان از آن استفاده می‌کردند. آنهایی که نسخ خطی را به چشم خودشان نگریسته‌اند، متوجه هستند که هر نسخه خطی با شیوه‌ها و وسایلی آرایش و زینت داده می‌شود. به اصطلاح نسخه‌نویسی این شیوه‌ها عبارت است از تذهیب، ترصیع، تزویق، تشعیر، تحریر، حل کاری، افشان، مرکب لوان، عکاسی، قطاعی و هنر متن و حاشیه و غیره. واقعیت این است که ارزش نسخه خطی مطلقاً به کاغذ و نوشته آن تلقی نمی‌شود بلکه از کارهایی هنری فنی که اصطلاحات آن بالا به تذکر رفت ارزشیابی می‌گردد. نسخا خطی که دارای تذهیب و طلاکاری و عکاسی مصوری می‌باشد اهمیت و ارزش آن چند برابر می‌گردد و قطعه‌ای هنری قرار می‌یابد. این جا مختصراً درباره اصطلاحات بالا توضیح داده می‌شود.

تذهیب: تذهیب به معنی از اندود کردن آمده است. در غیاث اللغات درباره تذهیب کار نوشته شده است که تذهیب و تزویق آن به جای

رسانید که صفت صنّاع به اضافت تصنّع و تنوّق نقّاشان روزگار در مقابله آن ناچیز شد.

طبق روال کناره‌ها و اطراف صفحه‌ها، با طرح‌هایی از شاخه‌ها و بندهایی اسلیمی، ساقه، گلها و برگ‌هایی ختایی و غیره آذین می‌شد. در آغاز آرایش کتاب با حل و زر و سیم انجام می‌شد. برای حل زر و سیم هم عمل دشوار انجام می‌شد. اوراق زر و سیم را باهم با آب شکر یا الکلی حل می‌کردند و بعد از شستن آن چندین بار این حلول را به دست می‌آوردند. حواشی کتاب بویژه گلها و شاخه‌ها و مسطور را با آب زر و سیم تزیین می‌کردند، همین کار آذین گفته می‌شد. آذین بندی (به اصطلاح نسخه‌نویسی زیرا که بروز نوروز بازار را هم آذین‌بندی می‌کردند) از زمان مانوی‌ها رونق یافت. طوری که ما مطلع هستیم مانی خود یک نقّاش معروفی بود و آذین‌کاری کم کم از زرین و سیمین به رنگین هم بدل شد یعنی به جای آب زر و سیم از رنگ‌هایی لاجوردی و سفیداب و زعفران شنگرف و سیاهی استفاده شروع شد.

در آغاز اسلام قرآن مجید خیلی ساده و بدون زینت کاری نوشته می‌شد، حتی هیچ آذین روی آن انجام نمی‌گرفت، اما ایرانیان طبق طبع هنری خودشان آذین و تذهیب کاری که در زمان ساسانیان رواج داشت، را بر روی قرآن مجید هم انجام دادند. نسخه‌هایی قرآن مجید که از قرن سوّم مربوط است دارای تذهیب کاری است.

در قرون بعدی تذهیب کاری اوج نمود و ترقی یافت. در دوره سلجوق این هنر لطیف و زیبا بر روی کتابهای دیگر هم به چشم

می خورد. نویسنده *راحة الصدور و آية السرور* درباره ذوق طغرل بن ارسلان برای تذهیب کاری می نویسد که: "چون سلطان سعید شهید (یعنی طغرل بن سلطان) را هوس خط افتاد مولانا صدر امام کبیر را فرمود و او کمر خدمت بر بست و به جان کوشید و حلاوت حرفهایی سیاه کوتاه خط چون شیرینی شب وصال در کام او می نهاد، مصحفی سی پاره مبدا کرد و می نوشت و نقاشان و مذهبان را بیاورد و تا هر چه او می نوشت با حل زر تکمیل می کردند و هر جزوی سی پاره صد دینار مغربی خرج می شد. در دوره بایستقری ابن هنر به مدارج عالی رسیده بود. یک نسخه *شاهنامه* فردوسی زیر شمار ۵۸/۱ در موزه ملی، دهلی نو مضبوط است. این نسخه، طبق فهرست نگار نسخ خطی موزه ملی، مربوط به قرن پانزدهم میلادی / نهم هجری دارای تذهیب کاری عمده است. چهار اوراق اولیه بهترین نمونه تذهیب کاری دوره بایستقرا است.

در دوره ایلخانی هم تذهیب کاران این هنر را بیشتر رونق بخشیدند. در دوره تیموریه مکتب هرات برای تذهیب کاری خیلی مشهور بود، همین طور مکتب شیراز هم مختصات جداگانه داشت، طبق آن هنرمندان تذهیب کار به نگاره های گیاهی، منظره های طبیعی و گاه نقش پرندگان در تذهیب می کشیدند. در دوره صفویه در حاشیه تصویر جانوران با آب طلا کشیده می شد. مولانا حسن بغدادی، مولانا عبدالله شیرازی تذهیب کاران معروفی بودند. در تذکره *مجمع الخواصر* آمده است که مولانا تذهیبی از قرن سیزدهم شخصی بود از اصفهان، درویش نهاد و شوخ طبع در کار تذهیب و جدول کش (یعنی خطوطی که با آب زر و سیم در حاشیه کشیده

می‌شد) و افشان و کاغذ الوان و ابری‌سازی مهارت داشت، علاوه بر این شاعر هم بود. از خصیصه‌ها و مشخصات بالا مزبور هویده می‌شود که تذهیب چه وظایف را انجام می‌داد.

در دستگاه گورکانیان هند مذهبان برجسته را پادشاهان می‌نواختند و آنان مذهب باشی خطاب داشتند که بعداً در دوران قاجار در ایران هم دایر گردید. نسخه‌ای که با تذهیب‌کاری آذین شده، است آن را نسخه مذهب می‌گویند.

تذویق - به معنی آراستن و درست کردن سخن و کتاب را و نقش کردن هم آمده، از این جهت هر چیز منقش را مذوق گویند و نقاش را مذوق، در اصطلاح نسخه‌نویسی به معنی تزئین با طلا هم کار برد دارد. این مترادف تذهیب هم به کار می‌رفته است.

تشعیر - به معنی لغوی موی برآوردن بچکه در شکم می‌باشد، اما به اصطلاح نسخه‌نویسی همین کلمه را به معنی آستر کردن کاغذ مورد نیاز هم به کار می‌برند. تحت این کاغذ نسخه خطی به صورت مناظر زیبا همراه با گل و برگ و سنگ و ضخره و جانوران را تشعیر کار به وجود می‌آورده است. در بعضی نسخه‌ها تصاویر انسان و حیوانات و شکارگاه و جنگل و نقش‌های گوناگون هم به چشم می‌خورد، در تشعیرکاری علاوه بر آب طلا از رنگهای دیگر هم گلها و برگها را پسرنگ می‌کردند. قلمکاری جزو تشعیرکاری است.

ترصیع - به معنی گوهر نشان کردن و جوهر نشانیدن است. در نسخه‌نویسی تحت ترصیع به جای آب زر از محلول شنگرف، لاجورد و سفیداب و زنگار و زعفران استفاده می‌گشت، این نوع عمل را ترصیع می‌نامیدند.

تحریر - در نسخه‌های مصدر اطراف نقوش یا کلمات و عباراتی را که با آب زر یا الوان دیگر مانند سفیداب اندوخته و نوشته می‌شود برای اینکه بهتر خوانده شود. با قلم بسیار باریک یا مرکب مشکی محصور کرده‌اند، همین تحریر است. راقم السطور از کارهایی بهترین و قشنگ از تحریر در بعضی نسخه‌هایی که در موزه ملی مضبوط است دیده است مانند نسخه‌ای دیگر از شاهنامه که دارای نزدیک به ۳۶ صفحه آن از نقاشی‌هایی عمده است، در اطراف و پایین آن با سفیداب تحریر نوشته است. کار تحریر در نسخه دیگر مربوط به موسیقی و دارای ۱۱۴ نقاشی‌های مزین و دلکش است که واقعاً چشمان را روشن می‌کند، در همین نسخه روی هر ورق یک نقاشی عمده از آلات موسیقی یا گوینده‌ای وجود دارد و نوازنده در حال سرودن راگ ویژه می‌باشد، در تحریر مختصراً درباره ویژگی آلت موسیقی یا اسم راگ که گوینده می‌سراید اشاره شده است. پس هدف اصلی در عمل تحریر، بهتر نمایاندن متن جدول یا کلمات خط یا تصویر و نقش است، گاهی طلا اندازیه‌های میان سطور را هم تحریر می‌داده‌اند.

حل کاری - به معنی مخلوط کردن مایعی کاربرد داشته است. البته در نسخه‌نویسی برای آرایش و تزیین کاربرد داشته است و عبارت است از

نقش و هیأت طلاکاری یک پارچه و یکدست و هماهنگ بدون خطوط تحریر. از تصویر جانوران و بیشتر شاخ و برگ و بوته و گل و پرندگان و حیوانات انسانی مانند ازدها و سیمرغ نوع حل کاری در نقاشی های ایرانیان اغلب به چشم می خورد. در نمایش کارهای نقاشی که در خانه فرهنگ دهلی نو اخیراً عرضه شده بود و منظره غالباً راجع به معراج بود همین حل کاری در آن غلبه داشت.

زر افشانی - یا کار افشان منظور از پاشیدن زر یا نقره بر کاغذ می باشد. نزدیک تذهیب کاران این چندین نوع است، گاهی همه مطالب کتاب بر متن زر افشان می شد یا ضد آن، در بعضی نسخه ها حاشیه افشان و جای متن ساده می بود. افشان مایعی که ممکن است با زر یا سیم یا الوان دیگر باشد به کار می رفت. حلول بسیار ریزه را افشان غبار می گفتند. افشان نقره ای اغلب در مرقع ها دیده می شود که سیاه رنگ است. منجمه افشان ریز حل زر است و همین مورد توجه تذهیب کاران بوده است. افشان بخش متن بعد از کتابت صورت می گرفت. کاغذی را که افشان می کرده اند، به نام کاغذ افشان می خوانده اند.

مرکب الوان - از وسایل لازم برای نسخه نویسی مرکب هم واحد مهمی است. اغلب مرکبی که برای نسخه نویسی مورد استفاده قرار می گرفت سیاه بوده است، اما مرکب الوان دیگر هم به کار می رفت. بویژه برای عناوین و اشاره به اشعار یا ضرب الامثال یا آیات قرآن مجید از الوان دیگر به خصوص مرکب قرمزی را به کار می برده اند. پس مرکب های الوان در کتابت، تزیین نسخ، نقاشی مشخص کردن سرفصلها و اسما، جلیله

اعجام و اعراب در نسخه‌های قرآن مجید و غیره کاربرد فراوان داشته است. در هند مرکب سیاه از سوختن عاج یا سرمه یا کاجل (کلمه هندی) درست می‌گردیده است، علاوه بر این اشیای دیگر هم می‌آمیخته‌اند. در نسخه‌های خطی زبان سانسکریت یا زبانهای هندی مرکب قرمزی هم دو نوع است، یکی به نام آلتا (از این مایع بلوان برای پازیبی هم استفاده می‌کنند) و دوم هنگلی است، علاوه برای روشن نمودن سرفصلها و اسماء جلیله یا اشعار در پایان نسخه خطی هم از مرکب قرمز یا زرد کار برد دیده می‌شود، در حاشیه هم مرکب قرمزی استفاده فراوان می‌باشد.

هنر متن و حاشیه - کاغذ هم جنسی است که پایدار دایمی نیست صحافان و وراقان برای تحفظ نسخه‌های خطی حل این قضیه هم به دست آوردند. بعضی نسخه‌هایی که به مرور زمان یا به محیط آلوده لطمه می‌خورد برای بازسازی از همین اصطلاح کار می‌برده‌اند، طبق این بخش متن اگر سالم است حاشیه‌ای تو بر همان آچار می‌کشیدند و متن محفوظ مانده را بر روی آن می‌چسبانند، از این جهت مطالب متن احیا می‌شد. همچنان اگر متن ضروری دیده و حاشیه به جای خود سالم است متن را بعد از بازنویسی روی حاشیه قبلی وصل می‌کردند، بدین که کاغذ در هر دو صورت تفاوت پیدا کرده پس آن را اصطلاحاً متن و حاشیه شده می‌گفته‌اند.

مرقع سازی یا هنر عکاسی - برای آذین نسخه خطی مرقعها اضافه می‌شد طبق این هنر نقوش مختلف را روی مقوا می‌کشیدند و طبق نیاز اندازه آنها را می‌بریدند و آن را روی صفحه منظور می‌انداختند و با الرانی

پسندیده رنگ می‌کردند، در نتیجه در جاهایی که مقوا بریده می‌شد اثر رنگ می‌ماند و بقیه سفید بود بدین ترتیب نقش‌هایی یکنواختی روی نسخه درمی‌آمد البته این کار زیاد استفاده نمی‌شد.

نقّاشی - از اجزای مهم که در نسخه‌های خطی به چشم می‌خورد نقّاشی است طوری که ضمن تذهیب‌کاری گفته شد. نقّاشی از زمان سلجوقها و بویژه از زمان تیموریها رونق یافت. تبریز و هرات و آذربایجان مراکز عمده نقّاشان بود. نقّاشی یک بخش بزرگی است و چندین نوع و احتیاج یک فصل کامل است، در مند هم نقّاشی از زمان قدیم رایج بود، در نسخه‌های خطی به خطوط اسلامی هنرنمایی نقّاشان دیدنی و دارای شهرت بین‌المللی است.

علاوه بر این واحدهایی بالا مزبور مجموعه دیگری از تزیینات هم کاربردی دارد و این عبارت است از جدول‌کشی و کمند و سرلوح و سرفصل و تصاویر و شمه و ترنج و سرترنج و نیم ترنج و لچکی و تزیین فهرست نسخه و طلا اندازی میان سطرها و غیره‌ها. جدول برای خطرطی است که معمولاً برای تزیین از طلا و سنگرف و الوان مختلف گرداگرد صفحه کشیده می‌شده است.

همچنان بر بالای صفحه ترنج قرار دارد، در آن از اینها چهار گوشه بیج و خم داری است که در وسط آن برگهایی طراحی شده است. شمه به معنی چتر آمده است و در آرایش صفحه بر روی صفحه محرابی که کشیده می‌شود به آن می‌گویند. علاوه بر این اصطلاح معنی این از آفتاب هم است که از گوشه و کنار این بروز می‌کند. بر صفحه

نخستین بعضی نسخه‌ها این دیده می‌شود گویا شعاع از شمس بیرون می‌آید. این علامت مهرپرستی طبق آیین قدیم ایرانیان هم می‌باشد.

همچنانکه قبلاً عرضه شد اوراق را به اندازه نیاز می‌بریدند پس اندازه نسخه خطی هم بدان شکل درمی‌آمد. اندازه‌هایی معروف که برای نسخ خطی مروج بوده عبارت است از:

بازوبندی (اندازه در ملی‌میترا) (۲۰ × ۳۰) بقلی (۶۰ × ۴۰) جانمازی

(۱۲ × ۷۰) حمایلی (بزرگتر از جانمازی) نیم ربعی، وزیر کوچک

(۲۲۰ × ۱۴۰) وزیری (۲۴۰ × ۱۶۰) وزیر بزرگ (۳۰۰ × ۲۰۰) سلطانی

(۴۰۰ × ۳۰۰) رحلی کوچک (۴۰۰ × ۲۵۰) رحلی (۵۰۰ × ۳۰۰) و رحلی

بزرگ (۶۰۰ × ۳۵۰) یعنی وزیر و رحلی هر دو دارای سه نوع است. دو

مرحله‌نهایی که از آن یک نسخه خطی عبور می‌کرد، اول از دست صحاف

و بعداً به جلدساز می‌رسید.

صحافت - بعد از کار کتابت و تذهینات نسخه خطی به شکل اوراق

پراکنده به دست صحاف بوسه می‌داد. ویژگی هنر صحافت در شیرازه‌بندی

بوده است، وی اول اوراق نسخه را مدون می‌کرد و پس چنان محکم و

یکنواخت کنار یکدیگر می‌چیدند که تا قرن‌ها اوراق از یکدیگر جدا

نمی‌شد. صحیح گذاشتن اوراق از وظیفه عمده صحافی بوده است. از نظر

دیگر مقایسه اوراق پراکنده و تصحیح متن هم کار صحافی بوده، همین

است که صحافت به عنوان پیشه‌ای معروف و مقبول بود و دارای اهمیت

و احترام هم بود. راوندی مؤلف *راحة الصدور* از صحافیان و مذهبیان

برجسته قرن هفتم هجری بود همچنان قاسم بیگ تبریزی سعدی ازو در گلستان تذکر داده از صحافیان مهم و برجسته دور خود بود. همین طور شماره نویسی بر روی اوراق هم وظیفه صحافی بود. در نسخه های خطی اسلامی به جایی هند سه کلمه آخر زیر سطر پایانی می نوشتند و با همان کلمه ورق دومی آغاز می شد به زبان انگلیسی این Catch word و به زبان هندی اکثر پلّی به عنوان معروف است.

جلدسازی - جلدسازی یا صحافت نیز از هنرهای عالی محسوب می شده است. نگهداری و تحفظ نسخه خطی کاملاً منحصر به عمده جلدسازی قرار می یافته است. همین است که این پیشینه ای دیرینه در هند و ایران دارد. جلدسازان قبلاً روی نسخه خطی جلد نمی گذاشتند، به جای آن در محفظه ای چوبی یا آهنی یا مفرغ می گذاشتند. انواع و اقسام محفظه رواج داشت. در هند همین محفظه را بغچه می گفته اند و به زبان هندی پیتی یا پیتکا هم نام دارد. همین محفظه ها از زر و سیم هم ساخته می شد. در زمان ساسانیان اوستا و کتب مقدس دین زرتشت یا مانی اغلب در محفظه هایی زر و سیم قرار می گرفت. علاوه بر این محفظه ها جلد های پوستی هم از زمان ساسانیان در ایران رونق یافت. روی این جلد ها هم کارهایی تزیینی انجام داده می شد. در آغاز دوره اسلامی جلد های پوستی ساده و بدون هیچ کار تزیینی مروج بوده، حتی الوان آن هم فقط به رنگ مشکی یا قهوه ای بود. ولی بعد از قرن چهارم اندک اندک نقوش ساده ای که آن را نقاری می گفته اند رواج یافت. بعدها به تدریج این نقوش دقیق تر و از رسمهای هندسی استفاده شد. تبریز مکتب بزرگی برای جلدسازی و

صحافی بوده و به پیروی از مکتب قسطنطنیه در هنرهای مزبور شهرت یافت. در زمان بایسنقر میرزا که دلداده هنرهایی لطیف و دقیق بود. قوام‌الدین تبریزی برای جلدسازی خیلی معروف بود. مثبت‌کاری روی جلد هنر تخصصی وی بود. با مرور زمان جلدهای کاغذ مقوا هم رواج پیدا کرد. روی کناره‌های مقوا گوشه‌های پوستی برای پایداری وصل می‌کردند. اغلب روی جلد اسم کتاب، اسم خطاط یا مذهب هم می‌نگاشتند.

بدین صورت نسخه خطی آماده می‌شده است. برای نگهداری و تشخیص نسخه‌ای و تعیین زمانی نگارش نسخه چندین نکات لازم را دانستن احتیاج دارد، و توضیحات مفصلی باید درباره آنان ابراز گردد و آن را در یک مقاله دیگر جا می‌دهیم.

منابع و مأخذ

- ۱- سیمای فرهنگی ایران، عباس نامجو، انتشارات عیلام، تهران، اسفندماه ۱۳۷۸.
- ۲- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
- ۳- لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۴- مرآة الاصطلاح، ترجمه انگلیسی از تسنیم احمد، انتشارات سان‌دیب، دهلی، ۱۹۹۳.

- 5- Dr. Satendra: *Pandolipy Science*, Rajasthan Hindi Granth Academi, Jaipur, 1989.
- 6- Richard, Francis” *An Unpublished Manuscript from the Collection of Emperor Humayun*, Confluence of Culture, Vol. I, Manohar Book Service, New Delhi (Collection), 1996.
- 7- Shivaganesha Murthy, R. S: *An Introduction to Manuscriptology*, Sharda Publishing House, Delhi, 1996.
- 8- Vyes Potter: *Painter, Paintings & Books*, Manohar Book Service, New Delhi, 1993.



سال علم و علوم اسلامی

دستیابی به کتاب و خرید آن از طریق سایت www.iranlib.com